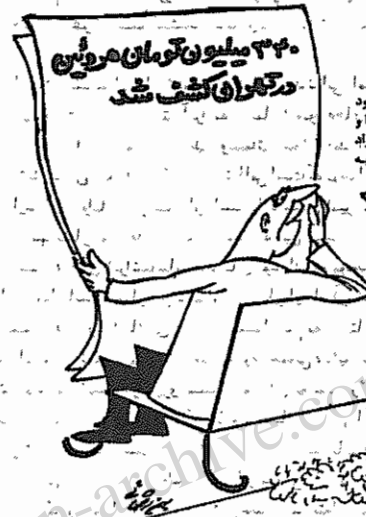


نفت ... بقیما رضحغه ؟
 تروند و بروری افزایش بهای نفت یا فشاری کنند مگر است افزایش
 بر اینجند و رضحغه قبول واقع گردد در کمیت بلومنتال و وزیر خزانم
 داری آمریکا میتواند قابل تحمل باشد .
 های
 د رسالهای اخیر موضوع تعیین افزایش بهای نفت در رگفتر
 او یک بصورت موضوع کشمکش میان ایران و عربستان سعودی بر آمده .
 بود هر یک درخواست رهبری او یک را در راست خود بگیرد . مطبوعات
 ایران بکرات از رهبری شاهنشاهی او یک سخن رانده اند . در رگفتر
 در وجه اختلاف در تعیین افزایش بهای نفت موجب تقسیم او یک به
 در بخش کردن و در جریان سال جاری معلومند عربستان سعودی
 کسفا اول را در تولید نفت در رگفتر او یک در ارد و با آن خسائر
 عظیم خود و با استعداد افزایش تولید خود میتواند در قیمت نفت
 بازار تاثیر بیشتری بگذارد و حتی پارهای از کشورهای او یک مانند ایران
 و اواد از سزا که بهای نفت و حتی تولید خود را نیز تفرود دهند .
 این مبارزه بر سر رهبری در او یک مظهری از رقابت این دو
 کشور بر سر سیادت در منطقه خلیج فارس و خاور میانه است .

میخواست کشورهای خلیج فارس را تحت حمایت خود در یک سازمان
 سیاسی اقتصادی و نظامی گرد آورد . عربستان سعودی نیز چنین
 تا اغیای در سر می پیروان و در ریزه افکند اما ت و ولت شاهنشاهی لاسی
 غیرت است . عدم دست قوت شاه در این زمینه نیز معلول همین فعالیت
 عربستان سعودی است .
 امیرالایسم آمریکا در آنطور که از شما حد و تفران بر می آید در رگ
 شعاع تفرقاند از حکومت کن را اصل سیاست خویش قرار داد بود
 و رقابت ایران و عربستان سعودی را با دیده تائید میگردست . اگر چه
 سیاست آمریکا در منطقه خلیج فارس پایان در آن تفرقابت بود
 خود و تا این همکاری آنها در زمینه حفظ امنیت و آرامش در کشورهای
 این منطقه است .
 سقر بلومنتال وزیر خزانم از ای آمریکا با کشورهای خاور میانه و
 عد اکرات و تا مقامات ایران و عربستان سعودی و همچنین و مقامات
 میان در کشورهای منطقه گزید و در آن آنها را او یک نشانم و حدت و
 همکاری آنها در منطقه خلیج فارس و در رسای
 شرح است .

هد ف امیرالایسم آمریکا را استراتژی خود در منطقه خلیج و
 خاور میانه معلوم کرد . از پیوند سیاسی امیرالایسم سعودی در این منطقه
 جلوگیری از استقرار هرگونه حکومت مترقی است که مانع امیرالایسم به
 و بر امیرالایسم آمریکا را در محافظت افکند . شاه با راه اعلام کرد ما ست
 کمبود کشورهای مترقی را در منطقه خلیج فارس نمیتواند تحمل کند .
 این سیاست امیرالایسم آمریکا هم را لحاظ سرکنی نیروهای
 مترقی و انقلابی و هم از جهت تقویت نیروی اقتصاد و نظامی کشورهای
 خلیج فارس بود . ریای سرخ بر عهدم خواجگانان گذارده شد ما ست
 هم اکنون مصر ، سوئان ، سومالی ، آریتره ، یمن شمالی ، عمان ، کمپو
 مالی عربستان سعودی و ایران برای تقویت بنیه نظامی و اقتصادی خود
 برخوردارند .
 منطقه خلیج فارس در ریای سرخ شاه مرگ در نیای امیرالایسم
 است . اتحاد شوروی سابق است در رتلا ش نفوذ در این منطقه است
 اوجی چند سال پیش با ایجاد جنبش هائی در رگفتر ایران و بلوچستان
 و جزیره ایران و پاکستان برای تملک باقیین حد ف تلا ش میگرد . و هنوز
 هم این سیاست را در دست نگذاشته است . این کوشش و عضویت
 نرسید برعکس هائی مشابهی که شهتد نوج نفوذ خود را در کشورهای
 مصر ، سوئان و اخیرا سومالی و آریتره از دست در اد . معذ لک نیست
 سوئال امیرالایسم شوروی با این معنی نیست که او از هدف سیاست
 طلبانه خود دست برد اشتیاد بگیرد یا همراه تنگم مردم رسای
 شرح توجیه این اظهارات ها های اخیر مقامات آمریکائی را اثر بر
 دفاع از ایران در صورتیکه مورد تجاوز قرار گیرد . همداره سوئال
 امیرالایسم شوروی است .
 امیرالایسم آمریکا که میخواهد خود مستقیم در رصحنه ظاهر
 شود با دست در چند متکذرات از خود ککهای مالی و نظامی بهمان
 کشورهای در این منطقه میسراند که با سوئال امیرالایسم و فشارش
 روی میگردانند . باید انتظار داشت که برودت و همکاری ایران
 و عربستان سعودی نتایج تازه ای مترتب گردد که رگفتر رقابت
 این دو کشور را تا به جلو میگرد .

۶ هزار تن حبوب خارجی ۵ روز دیگر به ایران میرسد
 تا اینروز دیگر مقدار حبوب و جو دارد علت کمبود
 ۱۰ هزار تن سوهای قسوز و آن است که در شهرستانها و
 پیشی صافی و لبه از خارج است که تولید نوج حبوب آزاد
 وارد بندر خرمشهر میشود . اما در نتیجه بیشتر حبوب به
 وارد کننده گان حبوب را از کنیا و پاکستان خریداری کرده اند .



چطور میشد اگه ۵ سیر هم نخود لوبیا واسه ما کشف میکردن!

تحت رژیم نواستعماری شاه
 یا هم رژیم نظیر آن از کشورهای صنعتی سال پسال فروشی خواهد گرفت و این کشور بیوسه بیشتر از فاضله تمدن عقب خواهد ماند . گزارش
 مؤسست امیرالایسمی دال بر این مدعا است .
 در شرایطی که بورژوازی و ارتجاع مبارزه داشته اند در ری راطیه سوئالیسم در پیش گرفته ، در زمانی که بورژوازی امیرالایسم پیوسته از
 شوروی و قمار آن بهایه کشورهای سوئالیستی یاد میکند . درست برای آنکه تمام معایب سیاسی های ناشی از نظام سرماییه نازی را به
 حساب سوئالیسم بگذارد ، آری در چنین وضعی باید از سوئالیسم بد دفاع برخاست و تبلیغات بورژوازی و ارتجاع را در رهم شکست زده
 که با گذشتن کشور سوئالیستی در ردیف کشورهای عقب مانده بر این تبلیغات تلویحاً صحت گذارند .

در کشور هورت

کشور استعمارزده ایران به برکت رهبری شاهنشاهی
 آنچنان گرفتار هرج و مرج و بی سرو سامانی است که در
 جهان کمترین توان به کشور دیگری نظیر آن برخوردارند و نکته
 زیر از نطق نمایندگان شاه در مجلس گرفته شده است :
 همزمان با برداشت برنج در شمال ، بازار شهرهای
 شمالی پر از برنج خارجی شده است و در نتیجه برنج داخلی
 خریدار ندارد جرارد شیراطی که محصول برنج
 داخلی بالغ به یک میلیون تن می باشد دولت اجازه ورود یانصد
 هزار تن برنج خارجی را داده است ! بهمان دلیل که این
 منتخب ساواک بعنوان نماینده مردم بر کرسی مجلس ششم
 است !
 اطلاع حاصل شده است که نماینده مقدار زیادی
 از گندم خریداری شده از خارج بجهت نمودن جا خلیجه
 نشده و در واکن های راه آهن سرگردان است و گویا مقدر
 زیادی نیز داخل همین واگن ها و یا زیر آفتاب باران مانده
 و در معرض خراب شدن است . چنانچه این موضوع واقعیت
 دارد علت آنکه بدون توجه به ظرفیت سیلوها از خارج گندم
 خریداری شده چیست چه مقدار از آن در واکن یا در معرض
 آفتاب و باران بوده است و چه میزان آن در اثر بی توجهی
 از بین رفته چه مقدار به راه آهن دولتی خسارت وارد آمده
 و بالاخره مسئول این کار چه کسی است ؟
 در پاسخ قسمت آخرین سوال از قول نویسنده طنز
 نویس کههان میتوان گفت که مسئول این کار گویا بوقییر است !

د رگفتر تقسیم جهان به سه دنیا برای نیای سوئالیسم جاتی نیست و در نتیجه تضاد میان سوئالیسم و سرمایه داری نیز
 ارتضاد های اساسی جهان حذف میشود . هوان اران شوروی سه دنیا در حرف تضاد های اساسی جهان امروز را یزید و ولی در
 واقع داشته آنها را حذف میکند .
 تضاد میان سوئالیسم و سرمایه داری که در انقلاب کبیر سوئالیستی اکثر آقا ز شد همچنان ادامه دارد یکی ارتضاد های اساسی
 جهان امروز است . دنیا سرمایه داری هیچگاه به دنیا سوئالیسم جز با دیده خصومت و دشمنی تسنگریسته است و این امری کاملاً
 طبیعی است . دنیا سوئالیسم از یکسو آید به برشکو و شکوفان بشریت را نمود مید هد از سوی دیگر با قوس مرکز بورژوازی را میسوزاند
 پایان حیات بورژوازی را نشان میدهد . از اینرو است که بورژوازی نمیتواند بی تفاوتی بدین واگشتن بدین گوشش در محسوان یاد نیای
 سوئالیسم برخورد کند . تجربه تاریخ نشان میدهد که انقلاب پرولتاریائی و سوئالیسم پیروز هرگز از جمله و هجوم سلحشانه بورژوازی
 منون نماند ما ست . بورژوازی امیرالایسمی هم اکنون که به همزیستی با نیای سوئالیسم تن در داده ، حتی یک آن هم از توطئه طلیقان
 و محافظان بودی آن بازشی ایستد . آیا چنین تضاد حادی را میتوان نادیده گرفت یا آنکه آنرا در شکم تضاد در نیای سوئالیسم جای
 دارد ؟

عنوان مکاتبات
 X. DR. GIOVANNA GRONDA
 87030 ARCAVACATA (CS), ITALY
 حساب بانکی
 X. DR. GIOVANNA GRONDA
 CONTO 17549/11
 CREDITO ITALIANO AGENZIA.16
 MILANO / ITALY

عوان اران شوروی سه دنیا تضاد های اساسی جهان را در کون ساختند و آنها را در تضاد همه کشورهای جهان با سوئالیسم
 شوروی و تضاد میان د و برقررت خلاصه میکند . تضاد های اساسی آنرا کوششی کاروسرمایه سوئالیسم و سرمایه داری ، تضاد های اساسی
 میان انحصارها و کشورهای امیرالایسمی همه در برتبه فراموشی افتاده و به تضاد های آشتی پذیر تبدیل شده اند ، دشمنان خلق اعم از
 امیرالایسم و ارتجاع کشورهای عقب مانده و حتی امیرالایسم آمریکا به متحدین و دوستان پرولتاریا و خلق ها تغییر شکل یافته اند . مگر نه
 ایست که تن سیاهوین ، درصاحبه با خبرگزاری فرانسه گفتگای میان امیرالایسم آمریکا امیرالایسم در نیای دو و ارتجاع و قاتلیم
 در نیای سوم را برای برهم زدن نقشه های سیاست طلبانه سوئالیسم شوروی موعظه میکند ؟
 شوروی سه دنیا شوروی آشتی طبقاتی است ، شوروی حفظ امیرالایسم و ویژه امیرالایسم آمریکا است . شوروی در فاعل و لفظی از ارتجاعی حاکم
 بر خلق های مستعبد ما ست . چنین شوروی ای ناگزیر باید در اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم تجدید نظر کند ، مرنسند طبقات آنرا گو
 را برزاید و تضاد های طبقاتی را در کون ساورد ، آشتی طبقاتی را بجای مبارزه طبقاتی نشاند ، انقلاب پرولتاریائی را بد رافکند و . . .
 اینها همه در تضاد با مارکسیسم - لنینیسم است و تابع انگیزه و بهانه ای نمیتوان آنها را بجای اشتراک پرولتاریائی در انقلابی با وضع کوشی
 جهان جا زد .

رژیم شاه محکوم و پیروزی خلق محتمل است

دنیای سوسیالیسم و «تئوری سه دنیا»

وجود دنیای سوسیالیسم در جهان کنونی حقیقتی است که هیچکس نمیتواند آنرا انکار کند. مگر ممکن است جمهوری تودهای آلبانی و دیگر کشورهای سوسیالیستی را یکبار از نظر ایندخت؟ مگر ممکن است این واقعیت بارز و آشکار را بدخواه از صفحه کتب زدود؟
دنیای سوسیالیسم بدیده روز و امروز نیست. اکنون شصت سال از پیدایش آن میگذرد. طبع این مدت دنیای سوسیالیسم در مرکز دنیای جهانیان قرار داشته است. کسی را در جهان نمیتوان یافت که از وجود دنیای سوسیالیسم بی خبر باشد.

اما تئوری سه دنیا علی رغم این واقعیت چسبیدگی دنیای سوسیالیسم را از نظر فرو میگردد. در تئوری سه دنیا برای دنیای سوسیالیسم مانند آفتاب میدرخشد و بر روی آفتاب نمیتوان چرخش گذاشت. این تئوری سه دنیا را در وگا امپریالیستی سخن بیان آورده اند. در وگا امپریالیستی در راتر تبدیل امتحان تئوری یک کشور امپریالیستی و انحطاط بسیاری از اجزای کمونیستی یا احزاب رولتینستی در ستونش تلاش کردید. اما اولین از همان زمان که انقلاب سوسیالیستی اکثر نیروها را از آنکه سوسیالیسم پهلوی فقط یک کشور را برپا کند از دنیای سوسیالیسم سخن بیان آورده و آنرا در برابر دنیای سرمایه داری میگذارد. اکنون در دنیای وجود دارد که دنیای کهنه سرمایه داری که در مخصه افتاد و هرگز تسلیم نشود. در دنیای نوین فزاینده که هنوز بسیار ضعیف است ولی کمترین خواهر باقی مانده چون غلبه نماید بر است.

شگفت انگیزتر آنکه هواداران تئوری سه دنیا از دنیای سوسیالیسم سخن میگویند که باید هرچه بیشتر آنرا برجسته کرد. هرچه بیشتر تبلیغ در برامون آن پرداخت، هرچه بیشتر آنرا به پرولتاریا و توده های رنجکشیده دنیا بیاوریم. سوسیالیسم ایران پرولتاریا را توده های رنجکشیده سراسر جهان است که از استثمار و ستم ملی و طبقاتی بجان آمد فاعله سوسیالیسم آن نظام اجتماعی اقتصادی است که باید پرولتاریا و توده های رنجکشیده آن اتحاد را نماید. آن نظامی است که پرولتاریا و توده های رنجکشیده خود سازند. دنیای سوسیالیسم او را زند و موشکوفان آید فالر پرولتاریا و رنجکشیده است پایه سنجیدن این سه گونه روسیه معتام کشورها چیزی عمقا اساسی آراینده و نزدیک و اجتناب ناپذیر از آنهاست. طبیعی است که این آینه و نزدیک و آراگیر را باید در معرض دید پرولتاریا و توده های رنجکشیده گذاشت. هرچه بیشتر در ستونر های آنها شناخته شود. دنیای سوسیالیسم مولود در این طبع پرولتاریا است چنانچه باید آنرا در واقعیت مشخص خود به پرولتاریا شناساند. پرولتاریا را در مبارزه با خطر ایجاد آن نیروی بنشیند. اجرا باید آنرا در انبوه کشورهای دنیای سوم مغبی کرد؟ اگر برجسته کردن و شناساندن دنیای سوسیالیسم به پرولتاریا در مبارزه طبقاتی نیروی مبخشد که داشتن کشورهای سوسیالیستی پرولتاریا را از آن محروم نماید. نظریه ای را اند و نوری که در کشورها دنیای سوم وجود دارد. دنیای سوم و دنیای سوسیالیسم را از آن محروم نماید. و این کار نیز برای دنیای سوسیالیسم است. بلکه نظام سوسیالیستی را چیزی شبیه رژیم های موجود در دنیای سوم نمیتواند. و این کار نیز برای دنیای سوسیالیسم است. به ماهیت سوسیالیسم منسوب میشود. مگر نظام سوسیالیستی فی المثل چیزی همانند رژیم شاه است. این چه جای آنکه با خطر تحقق آن تلاش کرد. اگر کشوری سوسیالیستی مانند ایران کشوری عقب مانده باقی بماند و به جای کشورهای صنعتی برسد، ایران هر در مبارزه با عقب ماندگی ورسیدن به فاعله کشورهای صنعتی گویا تلاش میکند. ممکن است کشوری سوسیالیستی عقب ماند باشد ولی مهم آن چیزی است که کشوری سوسیالیستی را از کشور عقب ماندگاتر متمیز کند. کشوری سوسیالیستی با شتاب خواهد توانست به عقب ماندگی خود پایان دهد و یکای میان خود و شرقی ترین کشورهای صنعتی و پرولتاریا و یونانها ایستادگی کند. اما فاصله ایران بقصد رصفحه ۳

نفت و سیاست جدید آمریکا در منطقه خلیج

همسایه دارند که در کشورهای تولیدکننده نفت در سال گذشته بر روی میز میان آمریکا و روسیه یعنی بر سر افزایش سهم نفت اختلاف نظری در اد و کفرانس بودم نظر نمایند و عربستان سعودی تصمیم گرفت که از آغاز سال ۱۹۷۷ بهای نفت را به نصف افزایش دهد و از آغاز ژوئیه همین سال نیز باید یک پنجم به نصف بران بفرماید. عربستان سعودی نیز بر این تصمیم نوبت و بر نظر خود به اثری افزایش فقط پنج درصد برای تمام سال ۷۷ باقی ماند. بدین ترتیب در میان اعضای این شگافی پیدا شد و قیمت واحد برای نفت از میان رفت. همه اعضای این سازمان با آمات متحد در نصف مقابل عربستان سعودی قرار گرفتند و آمریکا پس از آنرا رگت به تهران با تسخیر و استیلا از رگت کشور رقیب صحبت کرد.

در جریان سال جاری میان باروی کارآمدن کار سیاست نفتی شاه و ستونر گرونی عقب کردید. در کفرانس وزرای نفت کشورهای اینک در ژوئیه راسته کم وزیر نفت عربستان سعودی از راه رتیبیت و انحصار قیمت نفت در فاکر. اما از تضعیف اقتصاد جهانی سوختنی نمی بریم. آمریکا نیز از همان اوان به این عنوان که کشورهای صنعتی همواره از حران خارج شده فایده افزایش بهای نفت مانعی بر سر راه خروج از حران است. تثبیت قیمت نفت را ضروری دانست. اینک از افزایش و در زمینه اضافی صرف نظر کرد.

این نظر آمریکا را در واقعیت که در کفرانس های اوایل این نظر آمریکا رخنه نظر شما نمیتوانست باشد. معذرت که شما پیش از آنکه بهوشکنید بر مورد افزایش بهای نفت به ظاهر موضع بیطرف اختیار کرد. او در مصاحبه با سدر بیرمحلله نیز بیک میگوید: ما در کارا کاسر تا نشانگر خود هم بود. هرگز سخن نخواهد نتواند تلاش کند و ماکاری نخواهیم کرد.

این تظاهر بیطرفی پس از ملاقات با قاتبا که در صورت طرفی کبر یعنی هواداری از اجتناب و تثبیت قیمت نفت را آمد با آنکه قیمت نفت بعلت سقوط دلار آمریکا از قیمت ۱۰ دلار تا ۱۲ دلار رسید. این امر در روزنامه ها گفت: "لا اقل رئیس جمهور آمریکا از آنجایی که سیاست بیطرفی خود را تغییر ندهد." از اینرو ما فکر میکنیم که بیشتر است عنوان برای مدتی و حتی یک سال اگر لازم آید قیمت های نفت ثابت بماند تا این است موضع مانر کارا کاسر.

و حدت نظر ایران و عربستان سعودی در تثبیت بهای نفت بدو شد. در کارا کفرانس کارا کاسر بعد از مدتی سوم ماند سامیر تشکیل میشود تا سرقتی باقی خواهد شد که است و نظریه معلوم است لا اقل برای تمام سال ۱۹۷۸ قیمت نفت افزایش نخواهد یافت. برای تثبیت ماندن قیمت تمام دول ستوان از کر کرد.

تحقیق آنکه عرضه نفت در بارار بیشتر از تقاضا است و بنابراین در ذخیره نفت کشورهای صنعتی کاملاً یز است. در نتیجه همین فرسوس عرضی و تقاضای کمتری از ذخیره تجزیه شد. اند و نوری وقتی آمریکا نفت خود را به پیشگامی کفرانسها تعیین شد نص فرستند. برای چیران این تا به اعتبار غرض از ربارا کر کرد یعنی از تولید کماست دول کشورهای اینک نتوانستند در این زمینه توافق برسد.

در اینک عربستان سعودی و ایران از لحاظ تولید در سطحی قرار دارند نمیتوانند هر تصمیم از یک را که برخلاف نظر آنها باشد عقیم گذارند. تجربه گذشته بدنیال اختلاف نظر در وجه سئید است و باید گفت کسان جاری فقط عربستان سعودی و امارات خلیج فارس در جنبه واحدی جای داشتند. حال آنکه اکنون ایران نیز که در زمین تولید کننده نفت پس از عربستان سعودی است در جنبه تثبیت قیمت نفت است. شاه سعودی در آمریکا همچنین رجز میخواند. مگر سخن از مابعتی عقب همین کشورهای تولیدکننده نفت روشی در زمین کیزیم که بعد از آن پیشگامی از اینان بشکند. داشتن قیمت نفت باشد فکرمیکم سایر اعضای اوبت نتوانند حیرا سیاست های چند ان متفارض افعال کنند.

معنا لکن این تکثیر از نباید در نظر داشت که خود و بیوند او یک عاملی است که کشورهای این سازمان نمیتوانند تثبیت بدان بی تفاوت بمانند. لذا اجتناب از کشورهای زیر بار بقصد رصفحه ۳

رقابت دو ابر قدرت در فضا

در آمد به اند نیز رقابت جتن آمیزشان در فضا مشهور است. در سال ۱۹۷۵ کشفکاری مشترک در فضا انجام پذیرفت سوسیال امپریالیسم شوروی به تنهایی ۸۹ سفینه به فضا فرستاد و در سال ۱۹۷۶ از این رقم تجاوز کرد. به همین نسبت و شاید بیشتر

امپریالیسم آمریکا سفینه به فضا پرتاب کرده است. اگر این آثار در زمینه نظامی بکار گرفته میشوند. طبق اطلاعاتی که از مطبوعات غربی موجود است امپریالیسم آمریکا وسوسیال امپریالیسم شوروی بهیتر از ۷۰ درصد از اطلاعات خود را از طریق چنین سفینه های که در آنها سنجش و نظرسنجی با سوسپس بر کردن تر اند کسب میکنند. بی جهت نیست که در ابر قدرت در سبب دستیابی به سلاحهای مستند که میبایست این نوع سفینه ها را نابود کند. اکنون تمام قاره ها و اقیانوسها و حتی آسمانها صحنه رقابت و ابر قدرت جنگ افزوست. آنها از رگه امکانات خود برای خارج نمودن جریب از میدان رقابت و تضعیف او به نظر حفظ و بسط و گسترش نفوذ و قدرت خویش استفاده میکنند و بدین ترتیب جهان را بسوی جنگ سوم جهانی سوق میدهند.

آیا خلقهای جهان میتوانند به یاره سرائی های امپریالیسم وسوسیال امپریالیسم مبنی بر ترشج زایشی و حفظ صلح و آرامش باور کنند؟ آیا خلقهای جهان باید برای غلبه بر این ابر قدرت ریسای امپریالیستی بر قدرت دیگری بکند؟ آیا خلقهای جهانی به بایست برای جلوگیری از وقوع جنگ با بخشی از نیروهای متحد یون بسته و سازش طبقاتی رایجند؟ هرگز! امروز در مقابل خلقهای جهان و پرولتاریا این وظیفه قرار گرفته است که با این رز در به انقلاب از وقوع جنگ جلوگیری نماید و در صورت وقوع آن بسا استفاده از ضعف و تضاد جنگ افزوران امپریالیستی به امر انقلاب تحقق بخشد.

در ابر قدرت چند افزوست و سبطه جوی آمریکا شوروی که پیوسته در حال بسط و گسترش سلاحهای سنتی و هسته ای بوده و خود را برای جنگ سوم جهانی آماده میسازند و اکنون در این رقابت را بهیضا نیز گسترش در اند.

زیر در فاع دولت امپریالیستی آمریکا چند بیض اظهار داشت که اتحاد جماهیر شوروی از آنجهان ایزار جینی برخوردار است که حتی اقامت سنجی معینی را میتواند مورد هدف قرار دهد. ایالت متحد آمریکا از چنین ابزاری بی بهره است. اما ایالت متحد آمریکا در حال حاضر بهیضا چنین سلاحی را مورد آزمایش قرار اند واصل.

از سال گذشته شوروی آزمایشهای گوناگونی در زمینه سلاح ضد سفینه انجام داد است. این سلاحها برای از بین بردن سفینه های در نظر گرفته شده است که از طرف رقیب ابر قدرت شوروی بویژه امپریالیسم آمریکا برای کسب اطلاع از اوضاع نظامی جهان از جمله شوروی در فضا در کر کرد اند.

تلاش دارو دسته « کمیته مرکزی » را برای نفوذ در صفوف خلق افشا کنیم!